



# مجله حقوق قرمز

دوره ۹ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۵

شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳  
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳



بار اثبات دعوا در داوری تجاری بین المللی

همایون مافی، مانده اصغرزاده

تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری

محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، پوریا ابراهیم زاده

بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام های حقوقی مختلف

امیررضا محمودی، آتوشا ظفری کوره تاش

حقوق فدراسیونی در فوتبال: رویکرد نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، آرژانتین، برزیل، اسپانیا و کلمبیا

بهنام نورزاده

تعارض آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول با قوانین و اصول حقوقی

اکبر ایمان پور، سهنند نجادی ایجادکار

شخصیت مجرمانه و رابطه آن با مجازات موثر

مریم بهمنی، مصطفی کرمی پور

چالش‌ها و موانع تفسیر قراردادها در حقوق ایران

فرزین یزدان پناه، محمدرضا نصیری

تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی

علیرضا درائی، سیدابراهیم مرتضوی، امیرحسن ابوالحسنی

طلاق به درخواست زن در نظام حقوقی ایران

محمد احمدی، حلما سادات ذریه کرمانشاهی

ماهیت کیفری قرعه کشی های آنلاین در حقوق ایران

محمدحسین حاجب، زهرا ربانی، رویا آسیایی

قرارداد بیع متقابل در نظام حقوقی ایران

صادق محبی، محمدعلی جهانی

ویژگی ها و خصوصیات جرائم سایبری در نظام کیفری ایران

سیده الهه بابونکی

بررسی حق اشتغال زنان در حقوق بین الملل

حبیب الهه عبدالله پور، سما خدایاری

اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازاجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده

لیلا احدی

مقابلة به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی

رژین مسعودی، جمال رضایی حسین آبادی

واکاوی حقوقی ساختار نظارتی بازار غیرمتشکل پولی در ایران: از ابهامات مفهومی تا چالش‌های تقنینی و اجرایی

علی بابایی

تأثیر نهادهای مستقل بین المللی بر کارآمدی تحریم ها در حقوق تجارت بین الملل

الهه قربان کریمی

بر مدار مصلحت عالیه کودک؛ تحلیل حضانت با رویکرد حقوقی، فقهی و روان‌شناختی تا شناخت خلاهای تقنینی

مونا کمیلی

بازپروری حقوق بشردار و محدودیت های آن در نظام کیفری ایران

امین رضا بهار فلامرزی

تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران

محمد جوکار، ساسان وزین پور

آسیب شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران

محمدرضا رضائی

اجرای مقررات ملی شدن اراضی در خصوص اراضی وقفی با تاکید بر رویه قضایی

اسماعیل چوگانی

سیاست کیفری بین‌المللی در قبال نسل کشی: تحلیل تطبیقی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

علی هادیان حقیقی، صابر سیاری زهان

تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا

مرتضی هاشم پور

چالش ها و آسیب های حقوقی موسسات اعتباری غیرمجاز در نظام پولی ایران

امین امینی نژاد

تأثیر اختلال کارکرد قشر پیش‌پیشانی بر مسئولیت کیفری در جرم قتل عمدی

حمید غیاثی، مهدی شعبان زاده

هوش مصنوعی و حق بر محاکمه عادلانه در پرتو قانون اساسی ایران

پوریا ژولیده

تأثیر مخارج و پدھی دولت بر رشد بازار سهام در ایران

راضیه جنتی نژاد

جایگاه نهاد طرف معامله مرکزی در معاملات فرامرزی و تأثیر آن بر اصل نسبی بودن قراردادهای حقوق ایران، اروپا و ایالات متحده آمریکا

عارفه قاسم زاده ده آبادی

راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری

احمد پدیدار



## Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment

## بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام‌های حقوقی مختلف

Amirreza Mahmoudi

Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

امیررضا محمودی

استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

amirreza\_mahmoudi@gmail.com  
<http://orcid.org/0000-0001-8997-5071>

Anusha Zafari Kore Tash

Master of Science in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Lahijan, Iran (Corresponding Author)

آنوشا ظفری کوره تاش

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول)

anushazafari092@gmail.com

### Abstract

Technological advancements in the field of artificial intelligence have led to significant transformations in criminal processes and penal policymaking, especially in the stage of imprisonment enforcement. The integration of AI into the criminal justice system particularly in the execution of prison sentences promises not only enhanced efficiency and procedural acceleration but also improvements in prisoners' rights, rehabilitation effectiveness, and reduction of prison populations. This study aims to analyze the technical and legal capacities of employing AI in the execution of imprisonment, focusing on its impacts on traditional judicial structures, modern prison functionalities, ethical and legal requirements, and the rehabilitative potential of AI-based systems. First, the paper explores how AI transforms judicial processes such as data-driven court orders, automated case management, and predictive analysis of criminal records. Second, it investigates the role of intelligent systems in prison management, including risk assessment, behavioral monitoring, and implementation of electronic surveillance. Ethical and legal concerns such as privacy protection, algorithmic transparency, and institutional accountability are also discussed. Furthermore, AI's role in enhancing prisoner rehabilitation is examined through personalized psychological, behavioral, and educational programs. Finally, a comparative legal analysis highlights the implementation of AI in prison systems in jurisdictions such as the United States, the Netherlands, and China. The findings suggest that purposeful and responsible use of AI can transform the execution of imprisonment into a more humane, effective, and justice-oriented process.

**Keywords:** Artificial Intelligence, Imprisonment Execution, Smart Prisons, Criminal Rehabilitation, Criminal Justice.

### چکیده

پیشرفت‌های فناوری در حوزه هوش مصنوعی، تحولات گسترده‌ای را در فرایندهای کیفری و سیاست‌گذاری کیفری به‌ویژه در مرحله اجرای مجازات حبس به همراه داشته است. استفاده از هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری، به‌ویژه در مرحله اجرای مجازات حبس، نه تنها نوبدهش تحول در کارآمدسازی و تسریع فرایندها است، بلکه زمینه‌ساز ارتقاء حقوق زندانیان، بازپروری مؤثر آنان و کاهش جمعیت کیفری نیز می‌باشد. این پژوهش با هدف تحلیل ظرفیت‌های فنی و حقوقی بهره‌گیری از هوش مصنوعی در اجرای حبس، به بررسی تأثیر آن بر ساختارهای سنتی قضایی، کارکردهای نوین زندان‌ها، الزامات اخلاقی و حقوقی و تأثیر آن بر حقوق عامه زندانیان می‌پردازد و در نهایت به ظرفیت‌های بازپرورانه این فناوری نوظهور می‌پردازد. در این راستا، نخست تأثیر هوش مصنوعی بر تغییر فرایندهای قضایی، مانند صدور دستورات قضایی مبتنی بر داده، مدیریت پرونده‌های اجرایی و تحلیل‌پذیری بهتر سوابق کیفری بررسی شده است. سپس، به نقش سیستم‌های هوشمند در مدیریت زندان‌ها، ارزیابی خطر، پایش رفتاری زندانیان و اجرای دستبندهای الکترونیکی پرداخته می‌شود. در گام بعد، ابعاد اخلاقی و حقوقی از جمله حفظ حریم خصوصی، شفافیت الگوریتم‌ها و مسئولیت‌پذیری نهادهای بهره‌بردار تحلیل می‌گردد. در نهایت، با مطالعه تطبیقی در برخی نظام‌های حقوقی پیشرفته از جمله ایالات متحده آمریکا، هلند و چین نمونه‌هایی از به‌کارگیری هوش مصنوعی در اجرای حبس را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که استفاده هدفمند و مسئولانه از هوش مصنوعی می‌تواند اجرای حبس را به فرایندی انسانی‌تر، مؤثرتر و متناسب‌تر با عدالت کیفری تبدیل کند.

**واژگان کلیدی:** هوش مصنوعی، اجرای حبس، زندان هوشمند، بازپروری کیفری، عدالت کیفری.

Received: 2026/03/25 - Review: 2026/05/17 - Accepted: 2026/06/10

دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

ارجاع:

محمودی، امیررضا؛ ظفری کوره تاش، آنوشا؛ (۱۴۰۵)، بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام‌های حقوقی مختلف، تمدن حقوقی، شماره ۲۷.

## Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



## مقدمه

تحولات فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، فرصت‌ها و چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای نظام‌های حقوقی و کیفری ایجاد کرده است. مرحله اجرای مجازات حبس که با مشکلاتی چون تراکم جمعیت کیفری، ناکارآمدی در بازپروری و هزینه‌های سنگین مواجه است، می‌تواند از مزایای هوش مصنوعی بهره‌مند شود. به‌طور خاص، هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های کلان، تصمیم‌گیری الگوریتمی و پیش‌بینی رفتار مجرمان امکان اجرای مجازات هدفمندتر، کارآمدتر و انسانی‌تر را فراهم می‌کند (ابوذری، ۱۴۰۲، ۷۳). سیستم‌های هوشمند در زندان‌ها برای ارزیابی خطر، پیش‌بینی احتمال تکرار جرم، پایش رفتاری، برنامه‌ریزی شخصی‌سازی شده بازپروری و مدیریت منابع به کار گرفته می‌شوند و حتی نظارت الکترونیکی می‌تواند جایگزین حبس فیزیکی باشد (شیخوند و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۴۳). با این حال، استفاده از هوش مصنوعی بدون رعایت الزامات حقوقی و اخلاقی نظیر حفظ حریم خصوصی، جلوگیری از تبعیض الگوریتمی و تضمین شفافیت الگوریتم‌ها می‌تواند منجر به نقض حقوق زندانیان و کاهش نقش انسانی در تصمیم‌گیری‌های کیفری شود. از این رو، نظارت قضایی مؤثر، پاسخگویی نهادی و احترام به حقوق بشر باید در استفاده از این فناوری‌ها لحاظ شود. همچنین تجربه

کشورهای مختلف مانند ایالات متحده آمریکا، هلند و چین نشان می‌دهد که چهارچوب‌های حقوقی و روش‌های بهره‌برداری از هوش مصنوعی در نظام کیفری متفاوت است که مطالعه تطبیقی می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری‌ها کمک کند. از این رو، بهره‌گیری هوشمندانه و مسئولانه از هوش مصنوعی می‌تواند رویکردی نوین و تحول‌آفرین در اجرای مجازات حبس و عدالت کیفری ایجاد کند، مشروط به رعایت دقیق اصول حقوقی و اخلاقی مرتبط با آن (شیخوند و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۵۱).

### ۱- تأثیر هوش مصنوعی در تغییر فرایندهای قضایی و اصلاحات ساختاری

استفاده از هوش مصنوعی در فرایندهای قضایی یکی از مهم‌ترین تحولات فناوری در دنیای حقوقی محسوب می‌شود که می‌تواند به تغییرات ساختاری چشمگیری در سیستم‌های قضایی منجر شود. هوش مصنوعی با امکانات پیشرفته‌ای که دارد، می‌تواند نقشی اساسی در تسریع، بهبود دقت و شفافیت فرایندهای قضایی ایفاء کند. این فناوری نه تنها زمان رسیدگی به پرونده‌ها را کاهش می‌دهد بلکه کیفیت تصمیمات قضایی را نیز بهبود می‌بخشد. در بسیاری از کشورها، هوش مصنوعی به عنوان ابزاری برای تسهیل در تحلیل مستندات حقوقی، پیش‌بینی حکام قضایی، تحلیل روندهای قانونی و حتی شبیه‌سازی تحلیل‌های حقوقی به کار گرفته می‌شود. به طور خاص، در سیستم‌های قضایی کشورهای پیشرفته مانند ایالات متحده آمریکا، چین و اتحادیه اروپا هوش مصنوعی به طور موفقی در فرایندهای مختلف قضایی از جمله تحلیل اسناد، شبیه‌سازی تحلیل‌های حقوقی و پیش‌بینی تصمیمات قضایی به کار رفته است. این تحولات نشان‌دهنده قابلیت‌های بالای هوش مصنوعی در فرایندهای پیچیده قضایی و تغییرات ساختاری در سیستم‌های حقوقی است.

در ایران که سیستم قضایی آن با چالش‌هایی همچون کندی در فرایند دادرسی، ناکارآمدی در برخی مراحل و تعداد زیاد پرونده‌ها مواجه است، به کارگیری هوش مصنوعی می‌تواند به عنوان یک راه‌حل مؤثر برای بهبود عملکرد سیستم قضایی و تسریع در روند رسیدگی به پرونده‌ها عمل کند. یکی از چالش‌های اصلی که سیستم قضایی ایران با آن روبرو است، نقص در فرایندهای دستی و وابستگی به

مدارک کاغذی است که موجب تأخیر در تصمیم‌گیری‌ها و افزایش هزینه‌های دادرسی می‌شود. در این راستا، هوش مصنوعی می‌تواند با اتوماسیون بسیاری از فرایندهای قضایی مانند ثبت و جست‌وجو در پرونده‌ها، تجزیه و تحلیل مستندات و شبیه‌سازی فرایندهای دادرسی این مشکلات را برطرف کرده و سرعت و دقت تصمیمات قضایی را افزایش دهد (محمودی و بحر کاظمی، ۱۴۰۲، ۶۳).

یکی دیگر از مزایای مهم استفاده از هوش مصنوعی در سیستم قضایی ایران، کمک به انتخاب مجازات‌های مناسب و پیش‌بینی حکام قضایی است. هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های گذشته و مدل‌سازی وضعیت‌های مشابه قادر است پیشنهادهایی دقیق و مبنی بر شواهد برای انتخاب مجازات‌ها یا تصمیمات قضایی دیگر ارائه دهد. این امر نه تنها موجب افزایش دقت تصمیمات قضایی می‌شود، بلکه می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای جلوگیری از اشتباهات قضایی عمل کند. به‌علاوه، هوش مصنوعی می‌تواند در فرایند پیش‌بینی نتایج احتمالی دعاوی، با استفاده از داده‌های گذشته و تحلیل روندهای حقوقی به وکلا و قضات کمک کند تا بهترین استراتژی‌ها را برای دادرسی اتخاذ کنند.

هوش مصنوعی همچنین می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد برای مبارزه با فساد در سیستم قضایی ایران عمل کند. به‌طور خاص، هوش مصنوعی می‌تواند با ایجاد یک سیستم شفاف و قابل پیگیری برای ثبت و ارزیابی پرونده‌ها، نظارت بر فرایندهای قضایی را تسهیل کرده و امکان دست‌کاری و فساد در سیستم قضایی را به حداقل برساند. از طریق اتوماسیون، می‌توان فرایندهای قضایی را از دخالت‌های انسانی در معرض فساد مصون نگه داشت و سیستم را برای آگاهی‌بخشی به عموم و ایجاد شفافیت بیشتر تقویت کرد. در نهایت، این تحولات می‌توانند به بهبود اعتماد عمومی به سیستم قضایی کمک کنند. با افزایش دقت، سرعت و شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، مردم احساس خواهند کرد که عدالت به‌طور مؤثرتر و عادلانه‌تری در جامعه پیاده‌سازی می‌شود. در نتیجه، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر در تقویت حکمرانی قانون در ایران عمل کرده و موجب بهبود رابطه بین مردم و سیستم قضایی شود.

## ۲- ارتباط هوش مصنوعی با نظام زندان‌ها و اجرای حبس

کاربرد هوش مصنوعی در مدیریت زندان‌ها و اجرای مجازات حبس، در سال‌های اخیر به‌عنوان یکی از جلوه‌های تحول دیجیتال در نظام عدالت کیفری مورد توجه کشورها قرار گرفته است. هوش مصنوعی نه تنها در تشخیص، تحلیل و پیشگیری از وقوع جرم به کار گرفته می‌شود، بلکه در مدیریت محیط‌های بسته‌ای چون زندان‌ها نیز نقش روزافزونی یافته است. از جمله مهم‌ترین حوزه‌های کاربردی این فناوری می‌توان به طبقه‌بندی خطر زندانیان، تحلیل الگوهای رفتاری آن‌ها، پیش‌بینی احتمال بروز خشونت و حتی تصمیم‌گیری درباره آزادی مشروط یا جابه‌جایی درون‌سازمانی اشاره کرد.

برای مثال، در کشور چین، استفاده از فناوری‌هایی نظیر تشخیص چهره، پردازش تصویر و تحلیل داده‌های رفتاری زندانیان به‌صورت گسترده‌ای در زندان‌ها اعمال شده است. دولت چین از طریق یک سیستم یکپارچه نظارت، قادر به پایش لحظه‌ای حرکات و کنش‌های زندانیان بوده و در صورت بروز هرگونه رفتار مشکوک یا پرخطر، سیستم به‌طور خودکار هشدارهای لازم را صادر می‌کند (Mozur, 2019, 4). علاوه بر این، اطلاعات جمع‌آوری شده به الگوریتم‌هایی سپرده می‌شود که می‌توانند الگوهای بالقوه خطرناک را شناسایی کرده و مدیران زندان را نسبت به وضعیت روانی یا اجتماعی زندانیان خاص آگاه کنند. در عمل، چنین سیستمی می‌تواند به افزایش امنیت داخلی زندان، کاهش خشونت‌های درون‌سازمانی و تسهیل فرایند اصلاح و تربیت مددجویان کمک کند.

اما در سوی دیگر، استفاده گسترده از ابزارهای نظارتی مبتنی بر هوش مصنوعی، به‌ویژه در محیط‌هایی که آزادی فردی ذاتاً محدود شده است، نگرانی‌های عمیقی درباره نقض حریم خصوصی، فقدان کرامت انسانی و نقض اصول اخلاقی ایجاد می‌کند. در واقع، زندان نباید به مکانی تبدیل شود که در آن انسان‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که محکومیت‌های سبک یا امکان بازگشت سالم به جامعه دارند، تحت فشار دائمی ابزارهای فناورانه قرار گیرند که رفتار آن‌ها را صرفاً بر اساس داده‌های خام و فاقد زمینه تحلیل می‌کنند.

در برخی نظام‌های حقوقی غربی، مانند ایالات متحده آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا انتقادات

حقوقی قابل توجهی علیه استفاده از این ابزارها مطرح شده است. این نگرانی‌ها نه فقط به دلیل احتمال نقض حقوق بشر، بلکه به دلیل ناکارآمدی داده‌محور بودن صرف در فهم رفتار انسانی است. الگوریتم‌های هوش مصنوعی قادر به درک انگیزه‌های درونی، فشارهای اجتماعی یا زمینه‌های روان‌شناختی تصمیمات انسانی نیستند؛ و همین موضوع سبب شده است که بسیاری از متخصصان، تصمیم‌گیری صرفاً مبتنی بر تحلیل الگوریتمی را غیرانسانی، ناقص حقوق بنیادین زندانیان و بی‌توجه به اصل اصلاح و بازپذیری اجتماعی مجرم تلقی کنند. افزون بر این، چالش‌های مربوط به شفافیت الگوریتمی، نبود دسترسی زندانیان یا وکلای آن‌ها به منطق تصمیم‌گیری سیستم‌های هوشمند و نبود امکان اعتراض مؤثر نسبت به نتایج این تحلیل‌ها نوعی بی‌قدرتی حقوقی و نهادی را برای افراد تحت نظر ایجاد می‌کند. این وضعیت با اصول بنیادین دادرسی منصفانه، کرامت انسانی و حقوق دفاعی در تضاد آشکار است.

در نظام حقوقی ایران نیز، به کارگیری فناوری‌هایی از این دست، نیازمند بررسی‌های دقیق فقهی، حقوقی و اخلاقی است. از یک سو، اصول عدالت کیفری و حق اصلاح زندانی در آموزه‌های اسلامی و قانون مجازات اسلامی مورد تأکید قرار دارد. از سوی دیگر، استفاده از ابزارهایی که صرفاً مبتنی بر داده‌های آماری و فاقد تحلیل انسانی هستند، ممکن است با مبانی دینی درباره «توبه»، «امکان بازگشت» و «اعمال رحمت و تخفیف» در تعارض قرار گیرد. به ویژه اصل سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌طور مستقیم در برابر سازوکارهایی قرار می‌گیرد که بدون رضایت و آگاهی زندانی، داده‌های زیستی و رفتاری او را جمع‌آوری و تحلیل می‌کنند.

در مجموع، هوش مصنوعی می‌تواند ابزاری قدرتمند برای ارتقاء کارایی و نظم در مدیریت زندان‌ها باشد؛ اما در غیاب چهارچوب‌های سخت‌گیرانه قانونی، نظارت نهادهای مستقل و رعایت کامل اصول حقوق بشر، این ابزار به راحتی می‌تواند به عاملی برای تشدید سرکوب، نقض حقوق بنیادین و حذف کرامت انسانی تبدیل شود؛ بنابراین، پیش از آن‌که چنین فناوری‌هایی به‌طور فراگیر در نظام زندانبانی کشورهایی مانند ایران مورد استفاده قرار گیرند، لازم است سیاست‌گذاران با دیدی

چندبعدی، از منظر فقه، حقوق بشر، اخلاق، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی آثار احتمالی آن را بررسی و ضوابط لازم را تدوین کنند.

### ۳- نقش هوش مصنوعی در بازپروری مجرمان و کاهش جمعیت زندانیان

در عصر تحولات دیجیتال، هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی تحول در فرایندهای کیفری مطرح شده است. استفاده از این فناوری در سیاست‌های کیفری، نه تنها محدود به پیش‌بینی رفتار مجرمان یا تسهیل فرایندهای دادرسی نیست، بلکه چشم‌اندازی نوین برای بازپروری مجرمان، کاهش تراکم زندان‌ها و ارتقای اثربخشی نظام عدالت کیفری فراهم کرده است. در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، افزایش بی‌رویه جمعیت زندانیان، هزینه‌های بالای نگهداری آنان، ناکارآمدی برخی مجازات‌ها و نرخ بالای تکرار جرم، نشان از آن دارد که سیاست‌های سنتی کیفری دیگر پاسخگوی نیازهای امروز نیستند. این در حالی است که هوش مصنوعی می‌تواند نقشی اساسی در اصلاح ساختارهای سنتی ایفاء کرده و نظام عدالت کیفری را به سمت کارآمدی، بازدارندگی و عدالت ترمیمی سوق دهد.

فناوری‌های هوش مصنوعی قادرند با تحلیل کلان‌داده‌ها، ارزیابی الگوهای رفتاری و تحلیل خطر، پیش‌بینی‌های دقیقی درباره احتمال بازگشت مجرمان به چرخه جرم ارائه دهند (رادمان و مریدی، ۱۴۰۳، ۱۲). این اطلاعات می‌تواند پایه‌ای برای اتخاذ تصمیمات قضایی آگاهانه‌تر درباره اعطای آزادی مشروط، صدور احکام جایگزین و انتخاب نوع برنامه‌های بازپروری مناسب برای هر مجرم باشد. برخلاف شیوه‌های سنتی که اغلب بر مجازات‌های یکنواخت و بدون توجه به شرایط فردی تمرکز دارند، استفاده از هوش مصنوعی این امکان را فراهم می‌سازد که مجازات‌ها و برنامه‌های اصلاحی با توجه به ویژگی‌های روانی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی هر فرد طراحی شوند.

در کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، استفاده از الگوریتم‌هایی برای ارزیابی خطر تکرار جرم باعث شده است تا قضات بتوانند بهتر درباره اعطای آزادی مشروط یا استفاده از روش‌های جایگزین

تصمیم‌گیری کنند (O'Neil, 2016, 109). در ایران نیز می‌توان الگوریتم‌هایی بومی‌سازی شده طراحی کرد که با توجه به ویژگی‌های خاص نظام کیفری، آموزه‌های اسلامی و فرهنگ اجتماعی کشور، به تحلیل پرونده‌ها و پیشنهاد روش‌های بازپروری مبتنی بر داده پردازند. همچنین، استفاده از فناوری‌های هوش مصنوعی می‌تواند به شناسایی دقیق‌تر عواملی که منجر به ارتکاب جرم می‌شوند، کمک کرده و برنامه‌هایی تدوین کند که این عوامل را هدف قرار دهد. برای مثال، اگر داده‌ها نشان دهد که فقر، اعتیاد یا نبود حمایت اجتماعی از علل مؤثر در ارتکاب جرم خاصی هستند، سیستم می‌تواند برای فرد مورد نظر برنامه‌هایی چون توانمندسازی اقتصادی، درمان اعتیاد یا مشاوره خانواده پیشنهاد دهد. این نگاه جامع و میان‌رشته‌ای، برخلاف رویکرد سنتی مبتنی بر صرفاً مجازات بدنی یا حبس، باعث کاهش زمینه‌های ارتکاب مجدد جرم شده و نقش پیشگیرانه‌ای نیز ایفاء می‌کند.

علاوه بر این، فناوری‌های هوش مصنوعی می‌توانند در مدیریت بهتر زندان‌ها نیز مؤثر باشند. در ایران، بسیاری از زندان‌ها با مشکل کمبود فضا، نبود نیروی انسانی متخصص و کمبود منابع مالی مواجه‌اند. استفاده از ابزارهای هوشمند در برنامه‌ریزی، پایش رفتار زندانیان، شناسایی نیازهای بازپروری و ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌های اصلاحی می‌تواند به ارتقای بهره‌وری سیستم زندانبانی و کاهش فشارهای ساختاری کمک کند. سیستم‌های هوشمند می‌توانند زندانیانی را که واجد شرایط آزادی مشروط هستند شناسایی کنند، میزان موفقیت آن‌ها در برنامه‌های اصلاحی را ارزیابی کرده و حتی پس از آزادی، از طریق نظارت الکترونیکی یا اپلیکیشن‌های پیگیری بازتوانی، مانع از بازگشت مجدد به زندان شوند.

بهره‌گیری از هوش مصنوعی در بازپروری مجرمان، تنها در صورتی مؤثر خواهد بود که هم‌زمان ملاحظات اخلاقی، حقوقی و فنی رعایت شود. باید اطمینان حاصل شود که تصمیمات مبتنی بر داده، تبعیض‌آمیز نیستند، حقوق فردی و کرامت انسانی زندانیان رعایت می‌شود و اطلاعات شخصی به‌درستی حفاظت می‌گردد. در ایران، با توجه به نبود قوانین خاص در زمینه حفاظت از داده‌های کیفری و حریم خصوصی افراد، تدوین قوانین جامع برای چهارچوب‌مند ساختن استفاده از هوش

مصنوعی در سیاست‌های کیفری، ضرورتی انکارناپذیر است.

باید اذعان داشت که بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین به‌ویژه هوش مصنوعی، فرصتی تاریخی برای تحول در سیاست‌های کیفری ایران فراهم کرده است. اگر این فناوری‌ها در خدمت عدالت، انسان‌محوری، اصلاح و بازتوانی قرار گیرند، می‌توان امیدوار بود که آینده نظام عدالت کیفری، نه تنها کارآمدتر، بلکه انسانی‌تر، عادلانه‌تر و مبتنی‌بر بازپروری مؤثر خواهد بود. تحقق این هدف مستلزم عزم ملی، تقویت زیرساخت‌های فناورانه، آموزش نیروی انسانی متخصص، مشارکت نهادهای قانون‌گذار و پژوهشی و تدوین مقررات دقیق و جامع در این زمینه است. در غیر این صورت، استفاده از این فناوری‌ها ممکن است نه تنها به بهبود نظام کیفری منجر نشود، بلکه آسیب‌های جبران‌ناپذیری نیز در پی داشته باشد.

#### ۴- نقش هوش مصنوعی در بازپروری و طبقه‌بندی زندانیان

هوش مصنوعی می‌تواند به‌طور مؤثر در فرایند طبقه‌بندی زندانیان و ارزیابی نیازهای آن‌ها نقش ایفاء کند. به‌ویژه، استفاده از الگوریتم‌های پیچیده تحلیل داده‌ها می‌تواند به‌شناسایی دقیق‌تر سطح خطر هر زندانی، نیاز به مداخلات روانی و اجتماعی و همچنین ارزیابی احتمال بازپروری او کمک کند. این الگوریتم‌ها با تجزیه و تحلیل سوابق فردی زندانیان، رفتارهای پیشین آنان در زندان و تعاملات اجتماعی‌شان، الگوهایی را شبیه‌سازی می‌کنند که می‌توانند برای تخصیص منابع به‌طور بهینه‌تر و جهت‌دهی برنامه‌های بازپروری مورد استفاده قرار گیرند. استفاده از این تکنولوژی در کاهش خشونت و جلوگیری از انتقال الگوهای مجرمانه میان زندانیان بسیار مهم است. به‌طور خاص، برخی زندان‌ها در اروپا از سیستم‌های پیش‌گویانه برای پیش‌بینی رفتارهای پرخطر استفاده کرده‌اند. این سیستم‌ها با بهره‌گیری از یادگیری عمیق و تحلیل صوت و تصویر قادر به شبیه‌سازی بحران‌ها قبل از وقوع آن‌ها هستند. این نوع سیستم‌ها توانایی دارند تا ناهنجاری‌های رفتاری زندانیان را شناسایی کرده و پیش از وقوع

بحران‌ها، اقدامات پیشگیرانه لازم را به اجرا درآورند. به این ترتیب، این سیستم‌ها می‌توانند به بهبود امنیت زندان‌ها و کاهش هزینه‌های مدیریتی کمک کنند (Covels&Floridi,2018,4).

از دیدگاه بازپروری، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند نقش مهمی در طراحی برنامه‌های اختصاصی آموزشی، روان‌درمانی، و مشاوره‌ای برای زندانیان ایفاء کنند. این برنامه‌ها می‌توانند متناسب با نیازهای شخصی هر زندانی طراحی شوند. برای مثال، این سیستم‌ها می‌توانند با تحلیل نیازهای رفتاری زندانیان، برنامه‌هایی مانند آموزش مهارت‌های زندگی، روان‌درمانی فردی، یا حتی مشاوره‌های مذهبی طراحی کنند که به زندانیان کمک کند تا خود را برای زندگی پس از زندان آماده سازند. این رویکرد شخصی‌سازی شده نه تنها احتمال موفقیت در بازگشت به جامعه سالم را افزایش می‌دهد، بلکه از ارتکاب مجدد جرم نیز جلوگیری می‌کند (Gottfredson&Hirschi,2020,92).

ورود هوش مصنوعی به عرصه‌های مختلف حقوقی، به‌ویژه در زمینه اجرای مجازات حبس، موجب بروز چالش‌های عمده‌ای در جنبه‌های حقوقی و اخلاقی می‌شود. یکی از این چالش‌ها، شفافیت تصمیمات الگوریتمی است که به‌طور خاص در سیستم‌های هوش مصنوعی از جمله پیش‌بینی خطر تکرار جرم یا ارزیابی رفتار زندانیان، خود را نشان می‌دهد. الگوریتم‌های استفاده‌شده در این فرایندها، اغلب به‌عنوان جعبه سیاه شناخته می‌شوند، به این معنی که فرایند تصمیم‌گیری در آن‌ها برای کاربران و حتی توسعه‌دهندگان سخت قابل فهم است. این فقدان شفافیت سبب می‌شود که فرد یا وکیل او نتوانند دلایل دقیق تصمیمات را پیگیری کنند که این امر ممکن است به نقض حق اعتراض یا دفاع از حقوق زندانی منجر شود (Kleinberg et al., 2017,7).

در نتیجه، زمانی که تصمیمات مهم مانند انتقال زندانیان، محرومیت از ملاقات یا رد درخواست آزادی مشروط صرفاً بر مبنای پیش‌بینی‌های الگوریتمی گرفته شود و هیچ‌گونه توضیح واضحی از علت این تصمیمات وجود نداشته باشد، در واقع این سیستم‌ها ممکن است اصل دادرسی منصفانه و اصل شفافیت را نقض کنند. دادرسی منصفانه یکی از اصول بنیادین حقوق بشر است که بر اساس آن، افراد باید از دلایل تصمیمات قضایی آگاه باشند. عدم امکان درک یا چالش‌برانگیز بودن این دلایل

برای متهم یا وکیل او، ممکن است باعث تضعیف اعتماد عمومی به سیستم قضایی و در نهایت، منجر به شکاف‌های جدی در اجرای عدالت شود.

مسئله تبعیض الگوریتمی یکی دیگر از چالش‌های اساسی در استفاده از هوش مصنوعی در فرایندهای قضایی است. الگوریتم‌ها معمولاً از داده‌های تاریخی برای آموزش و پیش‌بینی استفاده می‌کنند و اگر این داده‌ها حاوی تبعیض‌های اجتماعی یا نژادی باشند، می‌توانند نتایج ناعادلانه‌ای در پی داشته باشند. این پدیده که به نام تبعیض الگوریتمی شناخته می‌شود، زمانی رخ می‌دهد که الگوریتم‌ها به دلیل داده‌های نادرست یا مغرضانه، تصمیمات نامتناسب و ناعادلانه‌ای در مورد گروه‌های خاص اجتماعی، از جمله اقلیت‌های قومی، اتخاذ کنند. تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته نشان می‌دهند که برخی از الگوریتم‌ها می‌توانند نتایج منفی و تبعیض‌آمیز در مورد گروه‌های خاص، مانند اقلیت‌ها یا افراد با ویژگی‌های اجتماعی خاص، ایجاد کنند.

##### ۵- چالش‌های شفافیت و عدالت در بهره‌گیری از هوش مصنوعی و پابند الکترونیکی

ورود هوش مصنوعی به حوزه اجرای مجازات‌ها تحولی بنیادین در نظام کیفری محسوب می‌شود، اما این تحول همواره با پرسش‌های اساسی در زمینه حقوق عامه همراه است. استفاده از الگوریتم‌های پیش‌بینی‌کننده برای سنجش احتمال بازگشت به جرم، یا جایگزین‌های حبس همچون پابند الکترونیکی، از یک سو کارایی نظام قضایی را افزایش می‌دهد و هزینه‌های عمومی را کاهش می‌دهد، ولی از سوی دیگر خطراتی جدی برای عدالت قضایی و حریم خصوصی محکومان ایجاد می‌کند. در این میان، شفافیت الگوریتم‌ها و سازگاری آن‌ها با اصول دادرسی عادلانه مهم‌ترین نگرانی حقوقی به شمار می‌رود. تجربه یک پرونده<sup>۱</sup> نشان داد که وقتی دادگاه در تعیین مجازات از نرم‌افزاری<sup>۲</sup> بهره گرفت متهم و وکیل او امکان دسترسی به منطق تصمیم‌گیری الگوریتمی را نداشتند و این امر تهدیدی جدی برای حق دفاع و اصل شفافیت محسوب شد. چنین وضعیتی بیانگر وجود «جعبه سیاه

1- State v. Loomis

2- COMPAS

الگوریتمی» است که مانع کنترل قضایی بر تصمیمات فناورانه شده و با منافع عمومی و اصل حاکمیت قانون در تعارض است.

افزون بر مسئله شفافیت، خطر بازتولید تبعیض نیز در این فناوری‌ها جدی است. تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که الگوریتم‌ها در صورت طراحی مناسب قادر به کاهش بخشی از تعصبات نژادی یا طبقاتی در پیش‌بینی تکرار جرم هستند، اما در صورت بی‌توجهی به معیارهای عدالت، می‌توانند به بازتولید همان تبعیض‌های اجتماعی منجر شوند. پژوهش‌های جدید بر کاربست یادگیری ماشین تأکید دارند که تا حدی توانسته است خطاهای مرتبط با تبعیض را کاهش دهد، اما این دستاورد هنوز کامل نیست و آسیب‌پذیری گروه‌های اقلیت همچنان باقی است.

از این منظر، استفاده غیرانتقادی از فناوری‌های پیش‌بینی‌کننده نه تنها حقوق فردی، بلکه اعتماد عمومی به عدالت کیفری را نیز تهدید می‌کند و همین امر نسبت مستقیم آن را با حقوق عامه آشکار می‌سازد. در ایران، سیاست‌گذار در ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ امکان استفاده از پابند الکترونیک را به‌عنوان جایگزین حبس پیش‌بینی کرده است. این نهاد، از منظر کاهش جمعیت زندان‌ها، حمایت از انسجام خانواده و صرفه‌جویی در منابع عمومی، اقدامی مثبت تلقی می‌شود. با این حال، چالش‌های حقوقی و اخلاقی آن نباید نادیده گرفته شود. استفاده گسترده از پابندهای الکترونیک می‌تواند به جمع‌آوری داده‌های رفتاری و مکانی محکومان منجر شود که خود خطری جدی برای حریم خصوصی به شمار می‌آید. چنین ریسکی در صورتی که تحت نظارت قضایی دقیق و با سازوکارهای شفاف حمایتی همراه نباشد، می‌تواند از مسیر اصلاح اجتماعی خارج شده و به ابزاری برای کنترل دیجیتال بدل شود.

این امر به‌ویژه از منظر حقوق عامه نگران‌کننده است، چرا که منافع عمومی ایجاب می‌کند ابزارهای نوین هم‌زمان هم کارآمد باشند و هم کرامت انسانی را حفظ کنند. نتیجه آن که بهره‌گیری از هوش مصنوعی و ابزارهای نظارتی مانند پابند الکترونیک نیازمند بازاندیشی حقوقی جدی است. این بازاندیشی باید بر سه اصل کلیدی استوار باشد: نخست، شفافیت و قابلیت نقد تصمیمات

الگوریتمی؛ دوم، تضمین برابری و جلوگیری از هرگونه تبعیض در اجرای فناوری؛ سوم، رعایت دقیق موازین حریم خصوصی و کرامت انسانی. تنها در چنین صورتی می‌توان اطمینان یافت که هوش مصنوعی به‌عنوان یک دستیار در خدمت قاضی عمل می‌کند و نه جایگزین او و تصمیم‌گیری درباره آزادی یا محرومیت افراد همچنان در چهارچوب عقلانیت انسانی و عدالت عمومی باقی می‌ماند.

### ۶- ظرفیت فناوریانه هوش مصنوعی در نظام اجرای مجازات حبس

هوش مصنوعی به‌عنوان یک ابزار قدرتمند و نوآورانه، پتانسیل‌های زیادی را در زمینه‌های مختلف اجرایی و قضایی به همراه دارد. یکی از زمینه‌هایی که می‌تواند از این فناوری بهره‌برداری کند، نظام اجرای مجازات حبس است. فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند فرایندهای اجرایی و نظارتی را به‌طور قابل توجهی بهبود بخشند و در مدیریت بهتر زندان‌ها و ارزیابی عملکرد زندانیان مؤثر واقع شوند. مدیریت هوشمند زندان‌ها یکی از ظرفیت‌های برجسته هوش مصنوعی در این زمینه است. استفاده از سیستم‌های نظارت تصویری مبتنی بر یادگیری ماشین می‌تواند به‌شناسایی رفتارهای مشکوک، درگیری‌ها و حتی رفتارهای خودآزارانه زندانیان کمک کند. این سیستم‌ها قادرند پیش از وقوع حادثه، هشدار دهند و از بروز بحران‌های احتمالی جلوگیری کنند. به‌عنوان مثال، در صورتی که یک زندانی در حال خودکشی باشد یا درگیر خشونت با دیگر زندانیان شود، این سیستم‌ها می‌توانند پیش از وقوع بحران، مسئولین را مطلع کرده و در نتیجه از وقوع آن جلوگیری کنند (Eubanks, 2018, 102).

این سیستم‌ها تنها در شناسایی بحران‌ها مفید نیستند، بلکه می‌توانند داده‌های رفتاری و روان‌شناختی زندانیان را تحلیل کنند تا اطلاعات دقیقی درباره وضعیت فرد به دست آورند. این تحلیل‌ها می‌تواند در ارزیابی زمان مناسب برای آزادی مشروط یا تعیین میزان بازپروری مؤثر زندانیان کمک کند. به‌عنوان مثال، اگر یک زندانی در حال بهبود وضعیت روانی و رفتاری خود باشد، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند به تصمیم‌گیرندگان در مورد تعیین تاریخ آزادی مشروط یا برنامه‌های بازپروری

کمک کنند. این امر می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و علمی‌تر در زمینه آزادی زندانیان و ارزیابی بازپروری آن‌ها منجر شود.

در ایالات متحده آمریکا، الگوریتم‌هایی مانند کامپس در برخی ایالت‌ها برای ارزیابی خطر تکرار جرم به کار گرفته می‌شوند. این الگوریتم‌ها با تحلیل داده‌هایی از جمله سابقه کیفری، وضعیت اقتصادی، تحصیلات و شبکه اجتماعی متهم به پیش‌بینی احتمال ارتکاب جرم مجدد می‌پردازند. بر اساس این پیش‌بینی‌ها، تصمیمات درباره آزادی مشروط و برنامه‌های بازپروری اتخاذ می‌شود. استفاده از چنین الگوریتم‌هایی می‌تواند به بهبود دقت تصمیمات قضایی و جلوگیری از اشتباهات انسانی در فرایندهای قضایی کمک کند. با این حال، نگرانی‌هایی درباره دقت این الگوریتم‌ها و احتمال تبعیض‌های نژادی و اجتماعی نیز وجود دارد که باید در نظر گرفته شود. به‌ویژه در سیستم‌های قضایی مانند ایالات متحده آمریکا که تاریخچه‌ای از تبعیض‌های نژادی دارند، ممکن است الگوریتم‌ها به صورت ناخواسته تبعیض‌هایی را تقویت کنند.

در ایران نیز با وجود چالش‌ها و محدودیت‌ها، پتانسیل پیاده‌سازی فناوری‌های هوش مصنوعی در زندان‌ها وجود دارد. با توسعه سامانه‌های نظارتی جدید، امکان استفاده از الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی برای تحلیل و ارزیابی رفتار زندانیان و پیش‌بینی بحران‌ها فراهم است. این سامانه‌ها می‌توانند به ارتقای کارآیی در مدیریت زندان‌ها و بهبود امنیت کمک کنند. به علاوه، تحلیل داده‌های رفتاری زندانیان می‌تواند در تصمیم‌گیری‌هایی مانند آزادی مشروط و ارزیابی بازپروری مؤثر باشد. با این حال، برای پیاده‌سازی این فناوری‌ها در ایران، باید بسترهای حقوقی و فنی لازم فراهم شود. این امر مستلزم بازنگری در قوانین و آیین‌نامه‌های موجود در سازمان زندان‌ها و به‌روزرسانی آن‌ها برای هماهنگی با فناوری‌های نوین است. در غیر این صورت، استفاده از این فناوری‌ها ممکن است با چالش‌های حقوقی و قانونی مواجه شود.

به‌طور کلی، استفاده از هوش مصنوعی در نظام اجرایی مجازات حبس می‌تواند بهبود چشمگیری در مدیریت زندان‌ها و کاهش بحران‌های زندانیان ایجاد کند. این فناوری‌ها می‌توانند به تحلیل دقیق‌تر

شرایط زندانیان و بهبود تصمیمات قضایی کمک کنند، اما برای بهره‌برداری صحیح از این ظرفیت‌ها نیازمند بازنگری در قوانین و ایجاد زیرساخت‌های لازم در این زمینه هستیم.

## ۷- مبانی فقهی استفاده از هوش مصنوعی در اجرای مجازات حبس

در نظام حقوقی ایران که متکی بر فقه اسلامی است، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی در اجرای مجازات‌ها باید در چهارچوب اصول فقهی همچون رعایت کرامت انسانی، عدالت، اصل لاضرر و حرمت تجسس صورت گیرد. استفاده از سامانه‌های هوشمند در زندان‌ها، به‌ویژه در زمینه تحلیل رفتاری، ارزیابی میزان اصلاح‌پذیری و نظارت مستمر بر زندانیان، ممکن است با مفاهیم فقهی مختلفی تلاقی پیدا کند که تحلیل آن‌ها برای مشروعیت‌بخشی به این ابزارها ضروری است. نخست، اصل «لاضرر» که از قواعد مسلم فقهی است، تأکید دارد که هیچ عملی نباید موجب زیان به دیگری شود؛ بنابراین اگر بهره‌گیری از هوش مصنوعی در نظارت زندانیان به گونه‌ای باشد که موجبات آسیب روانی، محرومیت‌های ناروا یا احساس دائمی زیرنظر بودن را فراهم آورد، ممکن است با این اصل در تعارض قرار گیرد (ابوذری، ۱۴۰۲، ۷۵).

از سوی دیگر، موضوع «تجسس» یکی از موارد چالش‌برانگیز در فقه امامیه است. به موجب آیات قرآن و نظر مشهور فقها، تجسس در امور شخصی افراد، حتی زندانیان، جایز نیست مگر در مواردی که حفظ امنیت عمومی یا حقوق عامه اقتضا کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۲، ۴۵). بدین ترتیب، طراحی سامانه‌های هوش مصنوعی که اطلاعات رفتاری، گفتاری یا حتی روان‌شناختی محکومان را ثبت و تحلیل می‌کنند، باید با ملاحظات فقهی همراه باشد تا مصداقی از تجسس حرام تلقی نگردد.

بنابراین، لازم است الگوریتم‌ها شفاف، قابل ارزیابی و تحت نظارت قضات و متخصصان فقهی و حقوقی پیاده‌سازی شوند. در مجموع، استفاده از هوش مصنوعی در اجرای مجازات حبس در صورتی مجاز و مشروع خواهد بود که با اصول بنیادین فقهی از جمله لاضرر، حرمت تجسس و عدالت سازگار باشد. بی‌توجهی به این اصول می‌تواند مشروعیت اخلاقی و دینی نظام عدالت کیفری را زیر سؤال ببرد.

## ۸- امکان‌سنجی اجرای هوش مصنوعی در نظام اجرای مجازات حبس در ایران

اجرای فناوری هوش مصنوعی در فرایند اجرای مجازات حبس در ایران، مستلزم تحقق هم‌زمان سه بستر اساسی، یعنی بسترهای قانونی، فنی و فرهنگی است. در فقدان هریک از این ابعاد، نه تنها امکان تحقق عملی چنین تحول فناورانه‌ای با چالش روبرو خواهد شد، بلکه ممکن است در صورت اجرای ناصحیح، به نقض حقوق بنیادین محکومان، انحراف از اصول دادرسی منصفانه و تضعیف اعتماد عمومی به نهاد عدالت کیفری بینجامد. قوانین موجود از جمله قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ فاقد پیش‌بینی صریح درباره ارجاع تصمیمات قضایی به ابزارهای فناورانه است و حتی در برخی موارد، تأکید بر اصالت قاضی انسانی در فرایند دادرسی دارد. علاوه بر این، اجرای نظام‌های هوش مصنوعی در بستر زندان‌ها نیازمند تدوین آیین‌نامه‌های تخصصی در حوزه نظارت، راستی‌آزمایی الگوریتم‌ها، حفظ حریم خصوصی داده‌های محکومان و مسئولیت ناشی از خطای احتمالی سیستم‌های هوشمند است. تجربه کشورهای پیشرو نیز مؤید این واقعیت است که بدون یک نظام حقوقی شفاف درباره استانداردهای اخلاقی، فنی و نظارتی استفاده از این فناوری‌ها می‌تواند منجر به تبعیض الگوریتمی، تصمیم‌گیری ناعادلانه یا نقض حقوق زندانیان شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰، ۶۲).

از منظر فنی، ایران از مزیت‌های نسبی قابل توجهی در زمینه توسعه هوش مصنوعی برخوردار است. وجود دانشگاه‌های طراز اول مانند دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه تهران و نیز رشد شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه فناوری‌های هوشمند، ظرفیت فنی لازم برای توسعه سامانه‌های هوش مصنوعی را فراهم ساخته است. با این حال، چالش‌های اساسی نظیر عدم یکپارچگی داده‌های کیفری در سطح ملی، ضعف زیرساخت‌های امنیت سایبری در سازمان زندان‌ها و کمبود نیروهای متخصص در زمینه تحلیل داده‌های رفتاری زندانیان، از موانع عمده در مسیر بهره‌گیری مؤثر از این فناوری‌ها است. همچنین نبود بانک‌های اطلاعاتی دقیق، به‌روز و قابل اعتماد که خوراک الگوریتم‌های یادگیری ماشین را فراهم کند، مانعی جدی در استفاده از هوش مصنوعی در پیش‌بینی بازگشت مجدد

به جرم و سنجش سطح خطرپذیری افراد به شمار می‌رود (ابوذری، ۱۴۰۲، ۵۶).

در بعد فرهنگی و اجتماعی نیز، اجرای این فناوری‌ها مستلزم پذیرش عمومی، جلب اعتماد افکار عمومی و آموزش گسترده ذینفعان نظام قضایی است. در شرایطی که جامعه نسبت به فناوری‌های نوظهور نگاهی همراه با تردید دارد، به کارگیری سامانه‌های هوشمند در اموری همچون اعمال مجازات، می‌تواند با مقاومت عمومی، بدینی نسبت به عدالت قضایی و حتی اعتراضات حقوق بشری مواجه شود. از این رو، ارتقاء سواد فناوری در بین قضات، مأموران زندان و کارشناسان حقوقی ضرورتی غیرقابل انکار دارد. افزون بر آن، باید اطمینان حاصل کرد که تصمیمات حیاتی، از جمله آزادی مشروط، تعلیق یا انتقال محکومان، صرفاً بر مبنای محاسبات ماشینی اتخاذ نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان ابزاری در خدمت قضاوت انسانی باقی می‌مانند.

در مجموع، اگرچه زیرساخت‌های اولیه برای بهره‌گیری از هوش مصنوعی در فرایند اجرای مجازات حبس در ایران به‌صورت بالقوه وجود دارد، اما عملیاتی‌سازی این فناوری مستلزم اصلاحات بنیادین در سطح تقنین، توسعه زیرساخت‌های داده‌محور، تربیت نیروی متخصص و افزایش آگاهی عمومی درباره مزایا و مخاطرات آن است. تنها در پرتو تعامل این سه بعد و با بهره‌گیری از تجارب جهانی، می‌توان به تحقق یک نظام اجرای مجازات مبتنی بر فناوری امیدوار بود.

## ۹- بررسی تطبیقی استفاده از هوش مصنوعی در اجرای مجازات حبس در نظام‌های حقوقی مختلف

در سال‌های اخیر، کشورهای مختلف به‌طور فزاینده‌ای از فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، در حوزه اجرای مجازات حبس بهره گرفته‌اند. در ایالات متحده آمریکا، ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی همچون کامپس برای ارزیابی ریسک مجرمین به کار می‌رود، اگرچه نقدهای زیادی درباره تبعیض نژادی آن مطرح است. چین از الگوریتم‌های نظارتی پیشرفته برای کنترل زندانیان و پیش‌بینی رفتار مجرمان استفاده می‌کند و رویکردی تمرکزگرا و امنیت‌محور دارد. در مقابل، کشورهای اروپایی مانند

سوئد و هلند بیشتر بر اصلاح و بازپذیری اجتماعی متمرکزند و هوش مصنوعی را در حوزه‌هایی چون برنامه‌ریزی فردی برای بازپروری و ارزیابی سلامت روان به کار گرفته‌اند. بریتانیا نیز استفاده محتاطانه‌ای از هوش مصنوعی در تحلیل داده‌های زندان و پایش رفتار زندانیان دارد، با تأکید بر حریم خصوصی و نظارت انسانی. این تفاوت‌ها بیانگر آن است که بهره‌گیری از هوش مصنوعی در اجرای مجازات حبس، به شدت تابع سیاست کیفری، فرهنگ حقوقی و ملاحظات اخلاقی هر کشور است.

### ۹-۱- الگوریتم‌های پیش‌بینی ریسک، چالش‌های حقوقی و پرسش‌های عدالت‌محور در

#### ایالات متحده آمریکا

ایالات متحده آمریکا از جمله کشورهای پیشرو در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین به‌ویژه هوش مصنوعی در نظام عدالت کیفری، به‌ویژه در مرحله اجرای مجازات است. یکی از مشهورترین ابزارهای هوش مصنوعی مورد استفاده در این کشور، سامانه کامپس است که توسط شرکت نورث پوینت طراحی شده و هدف آن ارزیابی میزان خطر تکرار جرم توسط محکومان و متهمان است. این الگوریتم از داده‌هایی نظیر سوابق کیفری، شرایط اجتماعی-اقتصادی، وضعیت خانوادگی، اعتیاد، اشتغال و تحصیلات استفاده می‌کند و خروجی آن، یک نمره ریسک برای فرد است که می‌تواند بر تصمیمات مرتبط با طبقه‌بندی زندانیان، آزادی مشروط، یا ارجاع به برنامه‌های بازپروری تأثیر بگذارد. نخستین انتقاد جدی به این سامانه، مربوط به تبعیض نژادی الگوریتمی است. پژوهشی از پرو پابلیکا نشان داد که کامپس در مقایسه با سفیدپوستان، برای متهمان سیاه‌پوست احتمال بیشتری برای تکرار جرم پیش‌بینی می‌کند، حتی اگر متهمان سیاه‌پوست سابقه کیفری سبک‌تری داشته باشند. این یافته‌ها بحث‌های گسترده‌ای را درباره عدالت‌محوری تصمیمات فناورانه و خطر بازتولید تبعیض در بسترهای ظاهراً بی‌طرف تکنولوژیک ایجاد کرده است. مطالعه دیگری نیز تأکید می‌کند که دقت کامپس در حد قضاوت عمومی افراد آموزش‌ندیده است و کارایی آن نسبت به ارزیابی انسانی برتری معناداری ندارد (Dressel&Farid,2018,2).

علاوه بر سوءگیری‌های الگوریتمی، مسئله فقدان شفافیت و پاسخگویی در ساختار داخلی الگوریتم‌ها مطرح است. از آن جا که منطق عملکرد داخلی کامپس توسط شرکت سازنده محرمانه تلقی می‌شود، محکومان و وکلای آنان امکان بررسی دقیق و اعتراض مستدل به امتیازهای دریافتی را ندارند. این وضعیت، چالشی جدی برای اصول بنیادین دادرسی منصفانه ایجاد کرده است، زیرا طبق استانداردهای حقوق بشر، متهم حق دارد از دلایل تصمیم‌گیری علیه خود مطلع شده و بتواند از خود دفاع کند (Citron, 2008, 1282).

استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی در عدالت کیفری، بدون ایجاد بسترهای نظارتی، قانونی و اخلاقی لازم می‌تواند منجر به تقویت نابرابری‌های ساختاری، نقض حقوق اساسی متهمان و فرسایش اعتماد عمومی به عدالت کیفری شود (Pasquale, 2015, 9). همچنین، اگرچه این سامانه‌ها ابزاری کمکی هستند، اما از آنجا که خروجی‌های شان در فرایند تصمیم‌گیری تأثیر روانی و نهادی بالایی دارند، مسئولیت‌پذیری نهادی در قبال تصمیمات متأثر از الگوریتم‌ها نیز محل بحث و چالش است. تجربه ایالات متحده آمریکا گرچه از نظر توسعه فنی و نوآوری قابل توجه است، اما به‌وضوح نشان می‌دهد که بهره‌گیری از هوش مصنوعی در اجرای مجازات حبس، بدون توجه کافی به ابعاد حقوق بشری، عدالت اجتماعی و نظارت‌پذیری الگوریتم‌ها، می‌تواند به نقض اصول بنیادین دادرسی منصفانه و گسترش تبعیض بینجامد. از این رو، این تجربه برای کشورهایمانند ایران که در آستانه ورود به این حوزه هستند، حامل درس‌ها و هشدارهای مهمی است.

## ۹-۲- نظارت حداکثری و اقتدارگرایی فناورانه در زندانبانی هوشمند در جمهوری خلق چین

جمهوری خلق چین یکی از پیشرفته‌ترین کشورها در بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای مدیریت و اجرای مجازات حبس محسوب می‌شود. در سال‌های اخیر، تحت شعار ساخت «جامعه‌ای با اعتماد متقابل و نظم الگوریتمی»، این کشور سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در زمینه زندان‌های هوشمند انجام داده است. سیاست‌گذاری در این حوزه نه تنها بهبود امنیت و بازپروری زندانیان را هدف گرفته، بلکه

در چهارچوب کلان تر «نظام حکمرانی هوشمند» چین، به دنبال تثبیت کنترل اجتماعی از طریق نظارت فناورانه است (Creemers, 2020, 11).

در برخی از زندان‌های پیشرفته مانند زندان شهر هانگژو، از دوربین‌های مداربسته مبتنی بر هوش مصنوعی با قابلیت شناسایی چهره، تحلیل حالات احساسی<sup>۳</sup>، ردیابی فعالیت‌های مشکوک و تشخیص صدای غیرعادی استفاده می‌شود. هدف از این سامانه‌ها، پیشگیری زودهنگام از رفتارهایی مانند خشونت، اقدام به خودکشی یا شورش است. الگوریتم‌های تحلیل رفتاری در این ساختار، با یادگیری مداوم از داده‌های فردی، الگوهای رفتاری پرخطر را شناسایی کرده و هشدارهای لازم را به نگهبانان ارسال می‌کنند. علاوه بر آن، استفاده از کارت‌های شناسایی برای کنترل رفت‌وآمد، دستبندهای هوشمند برای رصد وضعیت فیزیولوژیکی<sup>۴</sup> و شبکه‌های هوش مصنوعی برای پیش‌بینی رفتارهای مجرمانه یا خطرناک، موجب شکل‌گیری ساختاری تمام‌عیار از کنترل فناورانه و الگوریتمی زندانیان شده است (Kobie, 2019, 4). چنین نظارتی نه تنها به مسئولان امکان مداخله به موقع می‌دهد، بلکه فرایند اصلاح و تربیت را نیز از طریق تحلیل داده‌محور هدایت می‌کند.

با این حال، این الگو انتقادهای گسترده‌ای از منظر اخلاقی و حقوق بشری برانگیخته است. منتقدان تأکید دارند که در چین، داده‌های رفتاری و بیولوژیکی زندانیان، بدون رضایت آگاهانه و بدون وجود مکانیسم‌های شفاف پاسخگویی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از دید بسیاری از نهادهای حقوق بشری، چنین ساختارهایی با اصول بنیادین کرامت انسانی، حق بر حریم خصوصی و آزادی اراده تعارض جدی دارد، ترکیب این فناوری‌ها با نظام سیاسی اقتدارگرای چین، خطر استفاده ابزاری از هوش مصنوعی برای سرکوب اقلیت‌ها یا دگراندیشان را دوچندان می‌کند (Feldstein, 2019, 19).

در نتیجه، اگرچه تجربه چین از منظر کارآمدی، سرعت مداخله و پیش‌بینی‌پذیری در مدیریت زندان‌ها بسیار پیشرفته به نظر می‌رسد، اما عدم وجود موازین نظارتی مستقل، شفافیت قانونی و

۳- مانند اضطراب یا خشم

۴- مانند ضربان قلب یا سطح استرس

سازوکارهای دفاع حقوقی برای زندانبانان، موجب می‌شود این مدل در نظام‌های حقوقی دموکراتیک یا متکی بر اصول فقه اسلامی، به‌عنوان الگویی نامطلوب یا غیرقابل اقتباس تلقی شود.

### ۹-۳- الگوریتم‌ها به‌عنوان ابزار پشتیبان تصمیم‌گیری انسانی در زندانبانی داده‌محور در سوئد

سوئد، یکی از پیشگامان عرصه عدالت کیفری انسانی محور، رویکردی محتاطانه، اخلاقی و متعادل در به‌کارگیری هوش مصنوعی در اجرای مجازات حبس اتخاذ کرده است. برخلاف برخی کشورها که به‌طور افراطی به الگوریتم‌ها اتکاء می‌کنند، در نظام قضایی و زندانبانی سوئد، هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار مکمل تصمیم‌گیری انسانی عمل می‌کند، نه جایگزینی برای آن. این نگاه ریشه در اصول کرامت انسانی، بازپروری و عدم تمرکز بر انتقام دارد که از ارکان سیاست کیفری این کشور به‌شمار می‌روند (Wagner et al., 2020, 39).

سامانه‌های تحلیل ریسک در سوئد با بهره‌گیری از فناوری‌های هوشمند، داده‌هایی همچون سوابق کیفری، ارزیابی سلامت روان، کیفیت روابط خانوادگی و اجتماعی، رفتارهای دوران حبس و میزان همکاری در برنامه‌های اصلاحی را پردازش می‌کنند. خروجی این سیستم‌ها، نه حکم قطعی یا تصمیم قاطع، بلکه توصیه‌هایی تخصصی درباره سطح ریسک تکرار جرم، نیازهای روان‌اجتماعی، طبقه‌بندی زندانی، شرایط مناسب برای آزادی مشروط، یا برنامه‌های بازپروری فردمحور است.

ویژگی مهم مدل سوئدی، ساختار تصمیم‌گیری چندنهادی و شفاف است. تصمیم‌نهایی پیرامون مسائل مهم مانند طبقه‌بندی امنیتی یا آزادی مشروط، توسط کمیته‌ای متشکل از روان‌شناس، مددکار اجتماعی و نماینده سازمان زندان اتخاذ می‌شود. الگوریتم صرفاً داده‌های پشتیبان و تحلیل آماری در اختیار این هیئت قرار می‌دهد. به‌این ترتیب، هم بعد انسانی و اخلاقی تصمیم حفظ می‌شود و هم از خطاها یا سوءگیری‌های الگوریتمی پیشگیری می‌گردد. از منظر فنی نیز، سوئد به‌گونه‌ای طراحی الگوریتم‌ها توجه دارد که معیارهای آن‌ها قابل ممیزی، پاسخگو و قابل درک برای انسان باشند. الگوریتم‌های مورد استفاده قابل توضیح هستند، به این معنا که دلایل ارائه یک پیشنهاد خاص توسط

سیستم، برای کاربران انسانی قابل فهم و بررسی است. همچنین، مکانیسم‌های بازنگری و شکایت نسبت به تصمیمات متکی بر هوش مصنوعی، در ساختار قضایی سوئد گنجانده شده‌اند.

تجربه سوئد، به دلیل توازن میان کارایی الگوریتمی و ملاحظات حقوق بشری، می‌تواند الگوی مناسبی برای کشورهای دارای پیش‌زمینه‌های فقهی و عدالت‌محور همچون ایران باشد. این مدل، ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناوری، کرامت انسان مجرم را حفظ کرده، فرایند اصلاح را تسهیل می‌کند و امکان بازگشت تدریجی فرد به اجتماع را با حفظ شأن انسانی فراهم می‌سازد.

#### ۹-۴- بهره‌گیری از هوش مصنوعی در مسیر توانبخشی و بازاجتماعی‌سازی زندانیان در هلند

نظام کیفری هلند، از دیرباز بر پایه اصل بازاجتماعی‌سازی و توانبخشی محکومان طراحی شده است. در این نظام، هدف اصلی مجازات حبس نه صرفاً سلب آزادی، بلکه اصلاح رفتار، درمان اختلالات رفتاری و تسهیل بازگشت فرد به اجتماع است. در این راستا، دولت هلند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های هوش مصنوعی، مسیر تازه‌ای برای ارتقاء کارآمدی و انسانی‌سازی فرایند اجرای مجازات گشوده است. در زندان‌های این کشور، پروژه‌هایی با محوریت تحلیل داده‌های رفتاری زندانیان از طریق الگوریتم‌های یادگیری ماشین و سامانه‌های پیش‌بینی‌کننده روان‌رفتاری طراحی و اجرا شده است. این الگوریتم‌ها، داده‌هایی همچون نحوه مشارکت در دوره‌های آموزشی، سطح همکاری با کارکنان زندان، وضعیت ارتباط اجتماعی با سایر زندانیان، نشانه‌های اضطراب، خشم یا افسردگی و پیشینه روان‌پزشکی فرد را جمع‌آوری و تحلیل می‌کنند. بر اساس نتایج حاصل از این تحلیل‌ها، پیشنهاداتی به روان‌شناسان، مددکاران اجتماعی و نهادهای تصمیم‌گیرنده قضایی ارائه می‌شود تا درباره وضعیت فرد، برنامه‌های اصلاحی شخصی‌سازی‌شده، شرایط آزادی مشروط یا جایگزینی مجازات تصمیم‌گیری کنند.

از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این الگو، امکان مداخله به موقع و پیشگیرانه در موقعیت‌های پرریسک روانی یا رفتاری است. به عنوان مثال، اگر سیستم الگوریتمی نشانه‌هایی از افزایش پرخاشگری یا

اختلال اضطرابی را در رفتار یک زندانی تشخیص دهد، بلافاصله هشدارهایی به تیم روان‌شناسی صادر شده و اقدامات درمانی مانند مشاوره یا مداخله درمانی آغاز می‌شود (van der Woude & van den Brink, 2021, 15).

از منظر حقوقی و اخلاقی، هلند الگویی از استفاده انسان‌محور از فناوری را ارائه می‌دهد که تمرکز آن بر شناخت و پاسخگویی به نیازهای فردی محکومان است، نه کنترل مکانیکی و بازدارندگی صرف. این رویکرد نه تنها با اصول عدالت ترمیمی و تناسب مجازات‌ها هم‌خوان است، بلکه امکان بهره‌گیری از این مدل در نظام‌های حقوقی مبتنی بر ارزش‌های انسانی و دینی را نیز فراهم می‌آورد. برای کشوری مانند ایران که اصل «توبه» و اصلاح مجرمین در متون فقهی و قانونی جایگاه ویژه‌ای دارد، تجربه هلند می‌تواند سرمشقی ارزشمند برای طراحی سازوکارهای بازپروری فناورانه اما اخلاق‌محور باشد.

### نتیجه

استفاده از هوش مصنوعی در اجرای مجازات حبس، نمادی از ورود تکنولوژی‌های پیشرفته به یکی از حساس‌ترین و انسانی‌ترین حوزه‌های نظام حقوق کیفری است؛ جایی که نه تنها تصمیم‌گیری‌های قضایی و اداری، بلکه کرامت انسانی، اصلاح و بازپروری مجرمان و حفظ امنیت عمومی در معرض تحول و بازتعریف قرار می‌گیرد. هوش مصنوعی می‌تواند با ارائه ابزارهایی چون تحلیل داده‌های کلان، سیستم‌های هوشمند مدیریت زندان، ارزیابی ریسک و پایش رفتاری زندانیان زمینه‌ساز افزایش کارایی نظام کیفری، کاهش هزینه‌های اجرایی، تسریع در رسیدگی‌ها و ارتقاء فرایند بازپروری باشد. به‌ویژه در جوامعی که با معضل تراکم زندان‌ها، کمبود منابع انسانی و مالی و ناکارآمدی سیستم‌های سستی مواجه‌اند، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری راهبردی در اصلاح وضعیت موجود ایفای نقش کند.

با این حال، بهره‌گیری از این فناوری نوظهور بدون در نظر گرفتن ملاحظات حقوقی، اخلاقی و اجتماعی، خطراتی را به همراه دارد که نه تنها می‌تواند عدالت کیفری را تهدید کند، بلکه مشروعیت

نظام حقوقی را نیز زیر سؤال ببرد. تحلیل حقوقی این چالش‌ها نشان می‌دهد که موضوعاتی نظیر شفافیت و قابلیت توضیح‌پذیری الگوریتم‌ها، تضمین حریم خصوصی و داده‌های شخصی زندانیان، اصل بی‌طرفی و پرهیز از تبعیض الگوریتمی و مسئولیت‌پذیری نهادهای بهره‌بردار، از جمله مهم‌ترین دغدغه‌هایی هستند که باید به صورت جدی در سیاست‌گذاری‌ها و مقررات‌گذاری‌ها لحاظ شوند.

هوش مصنوعی نباید به ابزاری برای خودکارسازی صرف تصمیمات قضایی یا نظارتی بدل گردد، بلکه باید به‌عنوان یک مکمل هوشمند و قابل کنترل در خدمت قضاوت انسانی، عدالت ترمیمی و اصلاح اجتماعی قرار گیرد. همچنین، بررسی تطبیقی نمونه‌های موفق جهانی نشان داد که کشورهای پیشرو در استفاده از هوش مصنوعی در اجرای حبس، مانند ایالات متحده آمریکا، هلند، چین و بریتانیا، با طراحی چهارچوب‌های قانونی دقیق، توسعه سامانه‌های شفاف و قابل حسابرسی و همچنین ایجاد نهادهای نظارتی مستقل، توانسته‌اند استفاده از این فناوری را در چهارچوب قواعد حقوقی و اصول اخلاقی مدیریت کنند. این الگوها می‌تواند برای نظام حقوقی ایران نیز الهام‌بخش باشد؛ مشروط بر آن‌که رویکردی تدریجی، نظارت‌محور و مبتنی بر حقوق بشر در تدوین مقررات و پیاده‌سازی سیستم‌های هوشمند در حوزه اجرای مجازات‌ها اتخاذ گردد.

در نهایت، پژوهش حاضر به این نتیجه می‌رسد که اگرچه ظرفیت‌های فناورانه هوش مصنوعی در حوزه اجرای حبس بسیار چشمگیر و رو به گسترش است، اما بهره‌گیری از آن نیازمند نگاهی چندبعدی و تعادل‌محور است؛ نگاهی که در آن پیشرفت‌های فنی با اصول حقوقی و الزامات انسانی هم‌راستا گردد. ایجاد زیرساخت‌های فنی مناسب، آموزش قضات و کارکنان زندان، تدوین دستورالعمل‌های دقیق برای استفاده از داده‌ها و به‌ویژه وضع قوانین جدید درباره مسئولیت و پاسخگویی نهادهای بهره‌بردار از هوش مصنوعی، از جمله راهکارهایی است که باید در اولویت اصلاحات قضایی قرار گیرد. به‌طور خلاصه، هوش مصنوعی می‌تواند آینده‌ای متفاوت برای اجرای مجازات حبس رقم زند؛ آینده‌ای که در آن عدالت کیفری نه تنها سریع‌تر و دقیق‌تر، بلکه انسانی‌تر، بازپروانه‌تر و مسئولانه‌تر محقق می‌گردد. اما تحقق این چشم‌انداز، مستلزم هم‌افزایی میان تکنولوژی،

حقوق و اخلاق است؛ هم‌افزایی‌ای که در سایه آن می‌توان از ظرفیت‌های هوش مصنوعی در خدمت عدالت کیفری بهره‌برداری حداکثری نمود، بی‌آن که اصول اساسی نظام حقوقی قربانی نوآوری‌های فناورانه شود.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

## منابع

### فارسی

- ابوذری، مهرنوش، ۱۴۰۲، **حقوق و هوش مصنوعی**، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- رادمان، امین و مریدی، حسن، ۱۴۰۳، رویکرد هوش مصنوعی در پیشگیری از جرم و چالش‌های پیش روی آن، **ششمین کنفرانس بین‌المللی و هفتمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی**.
- شیخوند، محمدصادق؛ کرد علیوند، روح‌الدین؛ مینایی، بهروز؛ آشوری، محمد؛ مهدوی ثابت، محمدعلی، ۱۴۰۲، **هوش مصنوعی و صدور احکام کیفری تصمیم‌سازی یا تصمیم‌گیری؟، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۱۲۲.
- محمودی، امیررضا و بحرکاظمی، مریم، ۱۴۰۲، **هوش مصنوعی و تأثیر آن بر سیستم قضایی، فصلنامه تمدن حقوقی**، شماره ۱۸.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰، **گزارش راهبردی بررسی ابعاد حقوقی و چالش‌های هوش مصنوعی در ایران**.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ فاضل‌لنکرانی، محمد؛ مظاهری، حسین، ۱۳۸۲، **دیدگاه مراجع عظام درباره تجسس حریم خصوصی، افشای حوزه شخصی و تقطیش منازل**.

## لاتین

- Creemers, R. , 2020, China's Social Credit System: An Evolving Practice of Control. SSRN. Advances, 4 (1) , eao5580.
- Citron, D. K. , 2008, Technological due process. Washington University Law Review, 85 (6).
- Cows, J. , & Floridi, L. , 2018, Artificial intelligence and the ethics of prison reform: A critical review. Journal of Applied Philosophy, 35 (1).
- Dressel, J. , & Farid, H. , 2018, The accuracy, fairness, and limits of predicting recidivism.
- Eubanks, V. , 2018, Automating inequality: How high-tech tools profile, police, and punish the poor. St. Martin's Press.
- Feldstein, S. , 2019, The Global Expansion of AI Surveillance. Carnegie Endowment for International Peace.
- Gottfredson, M. R. , & Hirschi, T. , 2020, A General Theory of Crime. Stanford University Press.
- Kobie, N. , 2019, The complicated truth about China's social credit system. Wired UK.
- Kleinberg, J. , Lakkaraju, H. , Leskovec, J. , Ludwig, J. , & Mullainathan, S. , 2018, Human decisions and machine predictions. The Quarterly Journal of Economics, 133 (1).
- Mozur, P. , 2019, One month, 500,000 face scans: How China is using A. I. to profile a minority. The New York Times.
- O'Neil, C. , 2016, Weapons of Math Destruction: How Big Data Increases Inequality and Threatens Democracy. Crown Publishing Group.
- Pasquale, F. , 2015, The Black Box Society: The Secret Algorithms That Control Money and Information. Harvard University Press.
- Van der Woude, M. , & van den Brink, M. , 2021, AI in Dutch prisons: Balancing technology and fundamental rights. Utrecht Law Review, 17 (1).
- Wagner, B. , Wieringa, M. , & Schuijff, M. , 2020, Imagining algorithmic accountability. In H. Gray & L. Gillingham (Eds.) , AI in the criminal justice system, Ada Lovelace Institute.

# Legal Civilization

ISSN: 2873-1841  
ISSN: 2873-1922

No.27- Spring 2026

- Burden of Proof and Admissibility and of Evidence in International Commercial Arbitration  
**Homayoun Mafi, Maedeh Asgharzadeh**
- Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage  
**Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi, Pouria Ebrahimzadeh**
- Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment  
**Amirreza Mahmoudi, Anusha Zafari Kore Tash**
- Federative Rights in Football: Approaches of the Legal Systems of Iran, France, England, Argentina, Brazil, Spain and Colombia  
**Behnam Noorzadeh**
- Conflict of the Regulation of the Third Article of the Mandatory Formal Registration of Immovable Properties with Laws and Legal Principles  
**Akbar Iman Poor, Sahand Nejadi Ijadkar**
- Criminal Personality and Its Relationship with Effective Punishment  
**Maryam Bahmai, Mostafa Karamipour**
- Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law  
**Farzin Yazdan Panah, Mohammadreza Nasiri**
- Measures to Prevent Financial Corruption in the Banking System  
**Alireza Deraei, Sayyed Ebrahim Mortazavi, Amirhasan Abolhasani**
- Divorce at the Request of the Woman in the Iranian Legal System  
**Mohammad Ahmadi, Helma Sadat Zorrieh Kermanshahi**
- Assessing the Criminal Nature of Online Lotteries in Iranian Law  
**Mohammadhossein Hajeb, Zahra Rabbani, Roya Asiaei**
- Mutual Sale Contract in the Iranian Legal System  
**Sadegh Mohebbi, Mohammadali Jahani**
- Features and Characteristics of Cybercrimes in the Iranian Criminal System  
**Seyedeh Elaheh Babonaki**
- Studying the Right to Employment of Women in International Law  
**Habibolah Abdollah Poor, Sama Khodayari**
- The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of Shahid Fakhmideh Judicial Complex  
**Leila Ahadi**
- Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy  
**Rojin Masoudi, Jamal Rezaei Hossein Abadi**
- a Legal Analysis of the Regulatory Structure of the Unorganized Monetary Market in Iran: from Conceptual Ambiguities to Legislative and Executive Challenges  
**Ali Babaei**
- The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law  
**Elahe Ghorban Karimi**
- Based on the Best Interests of the Child; an Analysis of Custody with a Legal, Jurisprudential and Psychological Approach to Identifying Legislative Gaps  
**Mona Komeyli**
- Human Rights-Based Rehabilitation and Its Limitations in the Iranian Penal System  
**Amin Reza Bahar Falamarzi**
- an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units  
**Mohammad Jokar, Sasan Vazin Pour**
- Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law  
**Mohammadreza Rezaei**
- Implementing Regulations on Land Nationalization, Especially Endowment Lands, with Emphasis on Judicial Practice  
**Esmail Chogani**
- International Criminal Policy Against Genocide: A Comparative Analysis in International Criminal Tribunals  
**Ali Hadian Haghighi, Saber Sayyari Zohan**
- Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba  
**Morteza Hashem Pour**
- Legal Challenges and Harms of Unauthorized Accredited Institutions in the Iranian Monetary System  
**Amin Aminl Nezhad**
- The Impact of Prefrontal Cortex Dysfunction on Criminal Responsibility in the Crime of Intentional Murder  
**Hamid Ghiasi, Mehdi Shaban Zadeh**
- Artificial Intelligence and the Right to a Fair Trial in Light of the Iranian Constitution  
**Pouria Zhoulideh**
- Impact of Government Expenditure and Debt on Stock Market Growth in Iran  
**Razieh Hojjati Nezhad**
- the Position of the Central Counterparty Institution and Its Impact on the Principle of Privity of Contracts in Cross Border Transactions in the Legal Systems of Iran, Europe and the United States of America  
**Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi**
- Strategies to Combat and Deal with Cybercrime  
**Ahmad Padidar**